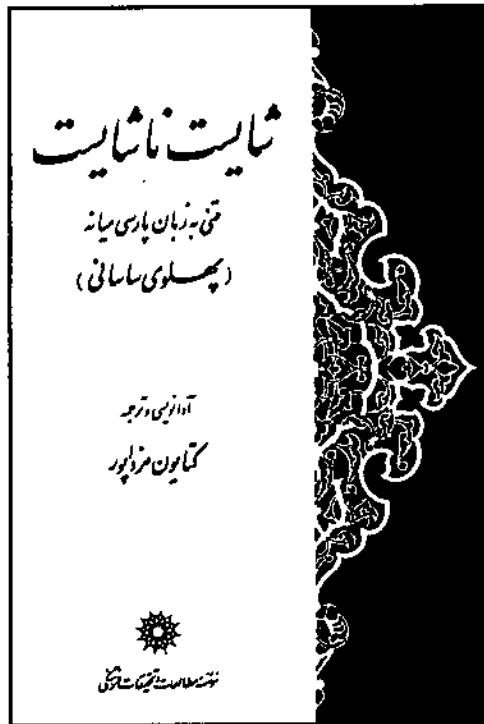




عناصر مسیحی در معتقدات و رسوم سازمان‌های اخوت درویشی اشاره کرده و این که در معتقدات تقریباً همه سازمان‌های اخوت عنصر تشیع قوی بود.

از ویژگی‌های این طریق و نقش آنها در جامعه و در بین مردم و از نقش آنها در بروز قیام‌های اجتماعی و همچنین از اختلافات بین صوفیان و قشریون در ادامه فصل ششم سخن به میان آمده است. این بخش از کتاب با آثاری از دو تن از شعرای عثمانی و با آوردن دو متن ادبی غنی پایان می‌پذیرد. در بخش «پایان گفتار» به طور مختصر به بررسی علل ضعف امپراتوری پس از سلطنت سلیمان از دیدگاه کوچویک، یکی از صاحب‌منصبان دربار عثمانی می‌پردازد و با یک نتیجه‌گیری کتاب را به پایان می‌رساند. به عقیده لوتیس سیاستمداران و نویسندگان سده‌های هفدهم و هیجدهم عثمانی هنوز به دوران طلایی گذشته چشم دوخته بودند و تنها امید نجات امپراتوری را در احیای ایمان و شرع اسلام و بازگشت به سنن قدیم آل عثمان می‌دانستند. معالوصف عدمی هم بودند که راه تازه‌ای یافته بودند، راه رفورم و تجدید که با اضمحلال نهایی امپراتوری عثمانی، از همان راه جمهوری ترکیه پدید آمد.

● سیروس نصرالله زاده



تاریخ کیش زردشتی بر اساس کتاب‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)

نشایست ناشایست

زیرنویس‌ها:

- ۱- امامی. حسام‌الدین: رویدادهای مهم تاریخ، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲، ص ۶۴.
- ۲- لوکاس، هنری: تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۳۵.
- ۳- گیرشمن، رومان: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمدمعین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، ص ۳۶۸.
- ۴- یعقوبی، ابن واضح: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدنادر ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۲، صص ۳۴، ۶۲، ۱۷۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۹۶، ۴۰۵.
- ۵- شاو. استفورد جی: تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، معاونت فرهنگی استان قنس رضوی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۸.
- ۶- همان، ج ۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.
- ۷- اوزون چارلی، اسماعیل حقی: تاریخ عثمانی از تشکیل دولت عثمانی تا فتح استانبول، ترجمه دکتر ایرج نوبخته، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۳۳.
- ۸- دولاندن، ش: تاریخ جهانی، ترجمه احمدبهنمش، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۱۵.
- ۹- شاو، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۱.
- ۱۰- پورگشتال، هامر: تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا کی علی‌آبادی، انتشارات زرین، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۹۷.
- ۱۱- اوزون چارلی، پیشین، ج ۱، ص ۵۵۰.
- ۱۲- لوتیس، برنارد: استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی، ترجمه ماه ملک بهار، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۲.
- ۱۳- همان، ص ۱۱.
- ۱۴- کین راس، لرد: قرون عثمانی، ترجمه پروانه ستاری، انتشارات کهکشان، ۱۳۷۳، ص ۱۱۶.
- ۱۵- لوتیس، پیشین، ص ۳۱۱، ۱۱.
- ۱۶- همان، ص ۲۱، ۲۰.
- ۱۷- همان، ص ۴۷.
- ۱۸- همان، ص ۵۳.
- ۱۹- همان، ص ۶۰.
- ۲۰- شاو، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۳.
- ۲۱- همان، ص ۴۷.
- ۲۱- لوتیس، پیشین ص ۱۵۸.
- ۲۲- باربر، نوال: فرمانروایان شاخ زرین، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهنوی، نشر گفتار، ۱۳۷۰، ص ۱۷.
- ۲۳- لوتیس، پیشین، ص ۲۲۱-۲۲۳.

- نشایست ناشایست، متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)
- آوانویسی و ترجمه: کتابیون مزداپور
- ناشر: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران، ۱۳۶۹.

سرآغاز: بانو دکتر کتابیون مزداپور، استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی اند. ایشان در متون پهلوی و اساطیر ایران باستان ژرف‌اندیش و صاحب نظرند. برگردان استاد از این کتاب، به جهت دربردارندگی مطالب پیچیده فقهی و حقوقی و نیز به سبب گذشت زمان و کهنگی بعضی مطالب آن که برگردان را دشوارتر می‌سازد، با حفظ ساختار نحو پهلوی روان و شیواست.

نسخه شناسی:

بن مایه فلسفی اندیشه زردشتی‌گری بر نیکی و بدی (= خیر و شر) و جدال میان آن‌هاست. نیکی‌ها آفریده اورمزدند و از این رو همه پاک و منزه؛ و بدی‌ها از آن اهریمن‌اند، پس همگی ناپاک و پلید. هر آن چه که آفریده‌های اورمزدی را بیالاید باید از آن پرهیز کرد. پاکیزگی و پرهیزگاری در جزء جزء زندگی دینورمزدیستایی نقش دارد و آن را باید رعایت کند؛ از ساده‌ترین‌اش مانند پاکیزگی هر روزه خانه تا پیچیده‌ترین‌اش مانند احکام نیالودن آب و آتش و احکام مربوط به شخص در گذشته. از زمان «زردشت اشو» قوانین طهارت وضع شده که



چون در این کتاب از آنچه «خوب» (شرعی و درست) و آنچه «ناخوب» (ناشرعی و نادرست) گفت و گو شده است به نام «شایست ناشایست» (آنچه شایسته است و آنچه ناشایست است) معروف شده است.

به سبب همانندی این کتاب با کتاب هایی که نام «روایت» دارند، مریدان زردشتی آن را «روایت» نام نهادند. نیز در میان دانشمندان اروپایی به نام «روایت پهلوی» معروف شده است.

پی نوشت ها:

- ۱- وندیداد شکل تحریف شده برای ویدوداد (Vi-deV-dad) است به معنی «قانون جدا از دیو»؛ تنها بخشی از اوستا است که از دوره ساسانی به شکل کامل حفظ شده است. دارای ۲۲ فرگرد (= فصل) است و نوزدهمین نسک از ۲۱ نسک اوستای دوره ساسانی است.
 - ۲- تفضلی، احمد: تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ۱۳۷۶، ص ۲۶۱.
 - ۳- شایست ناشایست صورت قدیمی تر برای شایست ناشایست است که براساس تبدیل واج a به e صورت پذیرفته است. دکتر مزدایور صورت نخست را ترجیح داده اند.
 - ۴- مزدایور، کاتبون: شایست ناشایست، ۱۳۶۹، ص هشت.
 - ۵- تفضلی، احمد، پیشین، ص ۲۷۹.
 - ۶- مزدایور، کاتبون، پیشین، ص هشت.
 - ۷- همان، ص یازده؛ برای آگاهی بیشتر نک. ص یازده تا سیزده.
 - ۸- همان، ص سیزده.
 - ۹- در: تفضلی، احمد، پیشین، ص ۲۸۰.
 - ۱۰- چاشته: «آموزه»، «آموزش»؛ برای آگاهی بیشتر از معنی چاشته و سه آموزه فقهی زیر نوشته نک: به مقاله ارزشمند کاتبون، مزدایور؛ «چاشته ها یا سه نحله فقهی در روزگار ساسانیان»، یاد بهار، ۱۳۷۶، ص ۳۱۱-۳۸۹.
 - ۱۱- مزدایور، کاتبون: شایست ناشایست، ص نه.
 - ۱۲- همان، ص ده.
 - ۱۳- تفضلی، احمد، پیشین، ص ۲۸۱.
 - ۱۴- مزدایور، کاتبون، پیشین، ص نوزده.
- 15- de Menasce, J.P; «Zoroastrian Pahlavi Writings», Cambridge History of Iran (CIH)3(2), Cambridge, 1983 . P.1177.
- نیز همو در: تاریخ ایران کمبریج، ج ۳(۲)، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۷۶۹.
- ۱۶- مزدایور، کاتبون، پیشین، ص یازده.
- * برای آگاهی بیشتر، کتابهای دیگری که تاکنون در تفسیر کتاب شایست ناشایست چاپ شده آورده می شود:

منابع فارسی:

- ۱- طاووسی، محمود: نوزده نامه شایست ناشایست، شیراز، ۱۳۶۵.
- منابع زبان های دیگر:
- 2- Davar, M.B, Sayast La Sayast. Bombay, 1912.
 - 3- Kotwal, M.F, the supplementary text to the Sayast ne Sayast. Copenhagen, 1969.
 - 4- Taradia, J.C, Sayast ne Sayast. A Pahlavi text on religions Customs, Hamburg, 1930.
 - 5- West, E. W , Sayast La Sayast, the proper and Improper. An old pahlavi Rivayat (sacred books of East, Vol. V).

در نثر قابل توجه است؛ اما از آنجایی که این کتاب در روزگار ساسانی راهنمای روزمره برای امور فقهی بوده، به تعبیر دکتر مزدایور «دستنامه» برجستگی و برتری آن را نسبت به کتابهای نام برده نشان می دهد.

از مطالب بسیار پراهمیت کتاب آگاهی است که از آموزه های گوناگون فقهی و آرای اینان می دهد. بنابراین کتاب سه آموزه (= چاشته) ی^۱ فقهی در عصر ساسانی رواج داشته است؛ که بیانگر اندیشه ورزی و بویابی جامعه ایرانی آن زمان است. این سه چاشته در فصل (بند ۴۴، با نام های «میدیوماه»، «ابریگ»، «پیشگسر» آمده است. هر کدام از این سه چاشته دارای اصول نظری خاص خویش بوده اند و گاه در فروع و جزئیات نظرگاهشان در برابر یکدیگر بوده است.^{۱۱}

در شایست ناشایست به «وندیداد میدیوماه» استناد می شود. از این رو، دکتر مزدایور بر آن اند که بایستی شایست ناشایست از مشرب فقهی «میدیوماه» بهره مند شده باشد.^{۱۲} از این کتاب دو نسخه اصلی هست: K20 و M51. به احتمال K20 قدیمی تر است؛ اما دست نویس M51 از نظر دقت و نگارش و سالم ماندن بر دست نویس پیش گفته برتری دارد.^{۱۳} نسخه مستقل دیگری به نام F33 هست که در کتابخانه «مهرجی رانا» در هند نگهداری می شود.

کتاب اصلی شایست ناشایست دارای ۱۰ فصل است. بعدها مجموعه ای از بخش های دیگر و مشابه به دست گردآورندگان به شایست ناشایست افزوده گشت؛^{۱۵} که آن را «هتمم شایست ناشایست» نامیده اند که شامل فصل های ۱۱ تا ۲۳ است. زمان گردآوری این متمم مشخص نیست. شاید به دوره ساسانی باز گردد و بعدها در قرن ۳ ه. ق. تلویح نهایی یافته است.

بررسی متن کتاب

چنانکه سخن رفت بخش اصلی شایست ناشایست ده فصل اول است. هر فصل دارای موضوعی واحد است. فصل های دوم تا هشتم پیکره اصلی کتاب است.^{۱۶} این ده فصل درباره آیین ها، اعمال دینی، اصطلاحات قوانین دینی، نام های حیوانات و باورهای عامه میانه است.

برای آگاهی خوانندگان، برگردان بند ۱۷ از فصل بیستم کتاب آورده می شود: «نیز مردمان بر این بایندنگرند (= توجه و اندیشه کنند) که هر چیز را چاره است، مگر مرگ را؛ هر چیز را امید «است» مگر دروندی را؛ هر چیز بگذرد مگر اشویی [= پرهیزگاری]؛ هر چیز را ویراستن می توان مگر گوهر را؛ و هر چیز را گردیدن (=دیگرگون شدن) مگر تقدیر را».

بعدها مغان گرونده به دین زردشتی، برای تفسیر شریعت، آن را افزون تر و پیچیده تر کردند. مجموعه ملون این قوانین در بخشی از اوستا به نام «وندیداد» آمده است.^۱ بعدها کتابهای مستقل دیگری درباره فقه زردشتی نوشته شده است؛ زند وندیداد، شایست ناشایست، روایات امیداشوهشتان، روایات آذر فرنیغ فرخزادان، روایات فرنیغ سروش، پرسش های هیرید اسفندیار فرخ برزین و مادیان هزارادستان.^۲

شایست ناشایست (Sayist ne Sayist) از جمله این کتاب های فقهی است که به زبان پهلوی (فارسی میانه زردشتی) است.^۳

کتاب شایست ناشایست، به مانند بیشتر کتابهای پهلوی، در نسخه های دست نویس نامی ندارد. در متن کتاب و نسخه های دست نویس به نام «روایت» تصریح شده است: «[این کتاب] روایت در پهلوی از اوستا و زند [است]».^۴ از این رو، به سبب هم ماندگی این کتاب با کتابهایی که نام «روایت» دارند، مریدان زردشتی آن را «روایت» نام نهادند.^۵ نیز، در میان دانشمندان اروپایی به نام «روایت پهلوی» معروف شده است.

چون در این کتاب از آنچه «خوب» (شرعی و درست) و آنچه «ناخوب» (ناشرعی و نادرست) گفت و گو شده است به نام «شایست ناشایست» (آنچه شایسته است و آنچه ناشایست است) معروف شده است. این نام دومی را دانشمندان زردشتی در قرن گذشته، به این کتاب داده اند.

از نام نویسنده یا گردآورنده کتاب آگاهی نداریم، در فصل دوم بند ۴۴، نویسنده از خود با نام «دبیر» یاد می کند؛ اما دکتر مزدایور بر آنست که به دلیل وجود نام خاص «خدای بود دبیر» در کتاب مادیان هزار دادستان (= مجموعه هزار فتوا) این احتمال ضعیف است که نویسنده از خود با نام دبیر یاد کند.^۶

زمان تألیف کتاب در نسخه های دست نویس تصریح نشده است؛ اما، به دلایلی چند نگارش اصل کتاب به اواخر دوره ساسانی می رسد. مهمترین دلایل این است که: ۱- در کتاب اشاره ای به دین اسلام و فاتحان عرب نیست؛ ۲- شیوایی و درستی زبان و یکتواختی نسبی دیگر نثر کتاب؛ ۳- اشاره های پیاپی به اوستای کهن و بخش های گمشده اوستا؛ نیز، آوردن نظریه های صاحبان فتوای دینی در روزگار کهن.^۷

با توجه به دلایل یادشده، احتمال داده اند که این کتاب نباید قبل از عهد انوشیروان نگاشته شده باشد.^۸ مری بویس تألیف آن را پس از سال ۶۳۲ م. می داند.^۹ همانندی مطالب کتاب با کتاب های دیگر مثل هیریدستان و نیرنگستان و صد